



موشك‌ها و پیام‌ها

خوانش ایران از سه موشک شلیک شده به حومه دمشق چیست؟

The Guardian**افزایش خطر جنگ منطقه‌ای****جولیان بورگر**

دبیر بین‌الملل گاردین

از زمان حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر و پاسخ وحشیانه اسرائیل در غزه، خاورمیانه به سمت پرتگاه یک جنگ منطقه‌ای در حال حرکت است. هفته گذشته معلوم شد که چگونه لبه این پرتگاه، می‌تواند به سرعت فرو بریزد. چند ساعت پس از آغاز جنگ غزه، درگیری میان حزب‌الله و اسرائیل نیز آغاز شد که حزب‌الله لبنان در همبستگی با فلسطینی‌ها در پاسخ به حملات هوایی اسرائیل به غزه وارد درگیری با اسرائیل شدند و نیروهای حوثی در یمن به کشتی‌هایی در دریای سرخ حمله کردند. آمریکا دو ناو هواپیمابر و گروه‌های حمله همراه آن‌ها را به منطقه منتقل کرد زیرا پایگاه‌های آمریکایی در سوریه و عراق مورد حملات مکرر گروه‌های شبه‌نظامی سوریه قرار گرفتند که واکنش سریع واشنگتن را به دنبال داشت. همزمان، کرانه باختری در اعتراض به بمباران غیرنظامیان در غزه و شهرک‌نشینان افراطی یهودی با تصرف سرزمین فلسطین و ایجاد وحشت در ساکنان آن، به سرعت در صدد برآمدند تا بر موج خشم اسرائیل سوار شوند. هر یک از این صحنه‌های درگیری، پتانسیل ایجاد تنش بسیار ترسناک خاورمیانه را دارند و چند روز گذشته نشان داده‌اند که تشدید تنش، چه خواسته یا ناخواسته، می‌تواند اسرائیل را به رویارویی آشکار با ایران بکشاند و ایالات متحده را نیز تحت تأثیر قرار دهد. اخیراً اسرائیل در یک حمله هوایی در حومه دمشق، سیدرضی موسوی، یکی از اعضای ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، که مسئول ارتباط نظامی بین سوریه و ایران بود را ترور کرد. پس از ترور موسوی روز دوشنبه گذشته، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که رژیم غاصب و وحشی صهیونیستی توان این جنایت را خواهد داد. در همین حال، حوثی‌های یمن که رابطه نزدیکی با ایران دارند، به سمت نیروی ضربت دریایی به رهبری ایالات متحده که برای محافظت از کشتی‌ها در دریای سرخ تشکیل شده است، شلیک کرده‌اند. کشتی‌های جنگی آمریکایی ده‌ها پمپ‌پد و همچنین تعدادی موشک بالستیک را سرتیگ کردند. فرماندهی مرکزی ایالات متحده با صدور بیانیه‌ای مدعی شد که واشنگتن «دلایلی دارد که باور کند این حملات، اگر چه توسط حوثی‌ها در یمن انجام شده است اما به طور کامل تحت هدایت مستقیم ایران است.» اگر یک کشتی جنگی ایالات متحده مورد اصابت قرار گیرد، جو بایدن برای ارائه یک پاسخ قاطع تحت فشار شدید قرار خواهد گرفت، زیرا او وارد سال انتخابات می‌شود؛ سالی که دوره تصدی اش در تزلزل است و جمهوری خواهان به دنبال تمرکز بر هر نقطه ضعفی هستند. نتالی بنت، نخست‌وزیر سابق اسرائیل، روز پنجشنبه در نوشته‌ای در یک روزنامه آمریکایی، دیدگاه بسیاری از جنگ‌طلبان را در نهادهای امنیتی در اسرائیل و ایالات متحده بیان کرد و خواستار برخورد با ایران شد. روز جمعه، شورای امنیت سازمان ملل متحد برای بحث در مورد خشونت در کرانه باختری تشکیل جلسه داد، اما این جلسه به سرعت به بحث در مورد جنگ منطقه‌ای کشیده شد. گیلاد اردان، سفیر اسرائیل، موضوع خشونت شهرک‌نشینان در کرانه باختری را اجزای از موضوع تهدید حزب‌الله لبنان عنوان کرد. اردان با تکرار هشدار مکرر مقامات اسرائیل مبنی بر اینکه اسرائیل احتمالاً با ایجاد یک منطقه حائل در جنوب لبنان، اوضاع را به دست خود خواهد گرفت، گفت: «وضعیت در شمال اسرائیل در حال رسیدن به نقطه‌ی بازگشت است. اگر این حملات ادامه یابد، مجدداً تأکید می‌کنم که وضعیت تشدید خواهد شد و ممکن است دستیار دبیرکل سازمان ملل متحد، به اعضای شورای امنیت گفت، در حالی که بیشتر تبادل آتش بین اسرائیل و حزب‌الله در اطراف مرز بوده است، برخی از حملات به عمق خاک طرفین بوده و «شیخ‌یک درگیری بی‌حد و حصر با پیامدهای ویرانگر برای مردم هر دو کشور وجود دارد.» خیاری افزود: با ادامه درگیری‌ها در غزه، خطر اشتباه محاسباتی و تشدید تنش بیشتر در حال افزایش است. خالد الگیندی، کارشناس ارشد مؤسسه خاورمیانه در واشنگتن، معتقد است، تعداد نامتناسب کشته‌های فلسطینی نشان داد که نیروهای اسرائیلی در تلاش برای جلوگیری از قیام در کرانه باختری تشکیل داده‌اند. الگیندی گفت: «ذهنیت اسرائیلی‌ها این است که فکر می‌کنند از انتفاضه سوم جلوگیری می‌کنند. اما من فکر می‌کنم روشی که آنها استفاده می‌کنند احتمالاً به انتفاضه سوم دامن می‌زند.»

**فاطمه کلانتری**

خبرنگار گروه دیپلماسی

در حالی که هر آنچه در ۷ اکتبر و روزهای پس از آن به وقوع پیوست و خاورمیانه را به تیراخبار، تحلیل‌ها و آینده‌پژوهی‌ها تبدیل کرد، با پیچیدگی‌ها و ابهامات متعددی همراه بود و فرضیه‌های قطعی برای انگیزه تحرکات بازیگران اصلی و در سایه این تحول منحصربه‌فرد غرب آسیا وجود ندارد اما قدمت بیش از ۴۰ سال منازعه اسرائیل و ایران، این واقعیت را از ابتدا به عنوان خطری بالقوه هشدار می‌داد که هر حرکت نسنجیده می‌تواند تهران و تل‌آویو را وارد عرصه‌ای کند که آنچه کشورهای این منطقه کابوس خود می‌دانند، محقق شود. در سایه همین موضوع نیز، نه تنها جمهوری اسلامی ایران که ایالات متحده آمریکا و حتی اسرائیل نیز در همان روزهای نخست جنگ بر این امر صحنه گذاشتند که تهران از عملیات طوفان الاقصی اطلاعی نداشت و همانگونه که رهبر ایران در سومین روز از جنگ اعلام کردند «کار، کار خود فلسطینی‌هاست».

این در حالی است که افزایش تحرکات نیروهای موسوم به «محور مقاومت» که غرب آن‌ها را نیروهای نیابتی و تحت حمایت تهران می‌داند از ۸ اکتبر، موجب شد تا تهران بارها مورد خطاب این پیام ایالات متحده قرار بگیرد که «ایالات متحده خواهان گسترش جنگ نیست». همین پیام‌های از دید تهران «درخواست» و از دید واشنگتن «هشدار» گونه موجب شد تا مقامات ایران بارها بر این امر تأکید کنند که «ما به عنوان جمهوری اسلامی ایران هیچ گروه نیابتی در منطقه نداریم بلکه آن‌ها خود تصمیم می‌گیرند که طبق مصالح کشورشان و طبق مصالح امت عربی - اسلامی دست به اقداماتی بزنند». این در حالی است که از همان ابتدا نه تنها اقدامات حزب‌الله در لبنان، حشدالشعبی در عراق و انصارالله در یمن به پای ایران نوشته شد بلکه این واقعیت نیز قابل چشم‌پوشی نبود که بنیامین نتانیاهو که سال‌ها با هدف ایجاد جنگ میان ایران و آمریکا دولت تشکیل داده است نیز از موقعیتی همچون آنچه در نزدیک به دو ماه اخیر در جریان است، نخواهد گذشت.

همین مسائل نیز موجب شده است تا دور از ذهن نباشد اگر سه موشکی که ساعت ۱۶ چهارم دی‌ماه از آسمان جولان اشغالی در محله زینبیه دمشق فرود آمد و «مسئول پشتیبانی از جبهه مقاومت در سوریه» را که در ۴ جولای ۲۰۲۲، در شبکه ۱۴ اسرائیل با عنوان «مدیر دفتر رابط بین دمشق و تهران و مغز متفکر جابه‌جایی تجهیزات از منطقه دمشق به انبارهای مهمات در سوریه یا به حزب‌الله لبنان» معرفی و هدف ترور این رژیم عنوان شده بود، هدف قرار داد را حامل این پیام از سوی تل‌آویو برای تهران بدانیم که «پاسخ هر آنچه



عکس: ایران

نگاه کارشناس**منصور براتی کارشناس مسائل منطقه در گفت‌وگو با هم‌میهن:**

ترور سردار موسوی، آغاز کمپین انتقام‌گیری اسرائیل است

در حالی که بسیاری از تحلیلگران نسبت به این امر هشدار داده‌اند که هر گونه اقدام نسنجیده می‌تواند کل منطقه را درگیر جنگ کند، نمی‌توان این گونه نتیجه گرفت که نتانیاهو در تلاش است تا از فرصت حضور نیروهای نظامی آمریکایی در منطقه استفاده کرده و با تحریم تهران، ایران را به صورت مستقیم درگیر جنگ کند؟

بعید است اسرائیلی‌ها بر خلاف آنچه این روزها در تحلیل‌ها بیان می‌شود، بخواهند پای ایران را به صورت مستقیم به جنگ بکشاند چرا که تهران پیش از این نشان داده است که در چنین مواردی به خصوص آن‌هایی که در سوریه اتفاق می‌افتد که در موارد متعددی صورت گرفته است، مستقیماً وارد درگیری با تل‌آویو نشده است و پاسخ تهران نیز در چارچوب حملات غیرمستقیم و نیروهای نیابتی بوده و در سطح اقدامات مخفی صورت گرفته است و تهاجم آشکاری علیه منافع اسرائیل از سوی جمهوری اسلامی ایران صورت نگرفته است؛ بنابراین بعید می‌دانم چنین خواسته‌ای در مفروضات اسرائیلی‌ها وجود داشته که ما این ترور را انجام دهیم تا ایرانی‌ها به صورت مستقیم وارد جنگ شوند و جنگی منطقه‌ای آغاز شود. در شرایط فعلی جنگ منطقه‌ای خیلی به نفع اسرائیلی‌ها نیست؛ اسرائیلی‌ها در میدان و جبهه غزه متمرکز شده‌اند و خیلی با حوصله و صرف زمان و تلفات بالا پیشروی خود را ادامه می‌دهند و هر تحلیلی که این روند را مختل کند، به ضرر آنهاست. بنابراین اگر قرار باشد جنگ منطقه‌ای فراگیر رخ دهد قطعاً باید زمان دیگری اتفاق بیفتد و همین الان که جنگی اتفاق نیفتاده تقریباً سوم از ارتش اسرائیل در شمال و مرز با لبنان مستقر شده است و در طول هفته‌های اول جنگ نزدیک به ۵۰ شهر و حالا ۱۵ شهر در نزدیکی مرز با لبنان تخلیه شده است و اقتصاد شمال اسرائیل خوابیده است. حالا فرض کنیم که در این شرایط و با بالا رفتن هزینه‌های جنگ، جنگ منطقه‌ای صورت بگیرد؛ در نتیجه به نظر می‌رسد فعلاً در مقطع کنونی، اسرائیل خواهان چنین جنگی نیست، هرچند این تحلیل من است و من تحلیل‌های متناقض با این را نیز دیده‌ام. معتقدم پس از این جنگ شرایط متفاوت است و شاید اسرائیل در آن مقطع بخواهد از شکل‌گیری یک جنگ منطقه‌ای که نوک پیکان آن متوجه ایران است، حمایت کند. مسئله بعدی این است که آمریکایی‌ها هم خواهان شکل‌گیری این جنگ نیستند و مایل هستند که تمرکزشان را همچنان روی اوکراین، روسیه و چین حفظ کرده و خاورمیانه را از طریق موازنه‌سازی از راه دور مدیریت کنند. در نتیجه درگیر شدن در جنگ جدید اساساً به نفع آمریکایی‌ها نیست و ما شاهد اختلافات کابینه‌بایان و نتانیاهو در این حوزه هستیم. با فشارهایی که آمریکایی‌ها به اسرائیل آوردند، همین را نشان می‌دهد که قرار نیست منطقه به سمت یک جنگ جدید برود و سیاست آمریکا این است که از طریق ایجاد بازدارندگی مانع از ورود طرف‌های ثالث به جنگ شوند. همان‌ناوهای که آمریکایی‌ها وارد آب‌های مدیترانه کردند نیز به این دلیل بود که حزب‌الله لبنان

این امر تأکید دارند که اگر حمایت‌های ایران نباشد، اساساً حماس در شرایطی قرار نمی‌گیرد که خواهد به چنین حمله‌بزرگی فکر کند. بنابراین مفروضه امنیتی اسرائیل این است که ایران را به طور غیرمستقیم مسئول می‌دانند. در نتیجه از همان ابتدای جنگ انتظار می‌رفت که کمپین ترور و خرابکاری علیه ایران شکل بگیرد. اسرائیل پیش از این نیز در تاریخ نشان داده است؛ برای مثال در سال ۲۰۰۶ در جریان جنگ ۳۳ روزه با لبنان، جرقه جنگ این واقعه بود که در حمله به یک کمپین اسرائیلی از سوی نیروهای حزب‌الله، ۳ سرباز این رژیم کشته و ۲ نفر به اسارت گرفته شدند و اسرائیل برای بازپس‌گیری این اسرا وارد جنگ با لبنان شد. در ابتدای امر اعلام شد که می‌خواهیم حزب‌الله را از بین ببریم و اسرای خودمان را آزاد کنیم. وقتی حدود ۱۴ تا ۱۵ روز از جنگ گذشت، هدف خود را تقلیل داده و اعلام کردند می‌خواهیم حزب‌الله را خلع سلاح و سربازان خود را آزاد کنیم و این در حالی است که در اواخر جنگ به این قطعنامه شورای امنیت رضایت دادند که نیروهای حزب‌الله تنها به بالای رودخانه لیبانی منتقل شوند اسرا نیز در جریان مذاکرات تبادل شوند. با این حال اسرائیل دو سال بعد ضربه‌ای که در جنگ ۳۳ روزه خورده بود را با ترور عماد مغنیه، یکی از مؤثرترین فرماندهان حزب‌الله، پاسخ داد و او در جایی - دمشق - ترور شد که به عنوان مکان امن نیروهای مقاومت شناخته می‌شد. بنابراین یکی از سیاست‌های اصلی اسرائیل انتقام‌گیری از کشورها، نیروها و افراد مؤثری است که در ضربه‌زدن به اسرائیل تبحر دارند. در نتیجه ما نیز باید حتماً آمادگی این را داشته باشیم که وقتی اسرائیلی‌ها در ۷ اکتبر یک ضربه استراتژیک می‌خورند و تقریباً ۱۲۰۰ نفر کشته می‌دهند و امنیت این رژیم تقاض می‌شود، تل‌آویو کمپین انتقام‌گیری خود را علیه کشورهای مؤثر کلید می‌زند. بر مبنای همین امر نیز بنده ترور سردار سیدرضی، حمله به مقرر فرماندهی در راسک و حمله سایبری به سیستم‌های بانک ملت و پمپ‌بنزین‌ها را در راستای همین کمپین خرابکاری، ترور و انتقام‌گیری می‌دانم.

منصور براتی، کارشناس مسائل منطقه و اسرائیل‌شناس در گفت‌وگو با هم‌میهن در تحلیل اهداف اسرائیل در ترور فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: «وقتی اسرائیلی‌ها در ۷ اکتبر یک ضربه استراتژیک و تقریباً ۱۲۰۰ کشته می‌دهند و امنیت این رژیم تقاض می‌شود، کمپین انتقام‌گیری خود را علیه کشورهای مؤثر کلید می‌زنند. بر مبنای همین امر نیز بنده ترور سردار سیدرضی، حمله به مقرر فرماندهی در راسک و حمله سایبری به سیستم‌های بانک ملت و هک پمپ‌بنزین‌ها را در راستای همین کمپین خرابکاری، ترور و انتقام‌گیری می‌دانم.»

شهید سیدرضی موسوی در حالی روز سه‌شنبه در میانه جنگ در غزه هدف ترور رژیم صهیونیستی قرار گرفت که جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدای آغاز جنگ با فلسطینی‌ها استن عملیات طوفان الاقصی اعلام کرده بود، وارد درگیری نظامی نخواهد شد و خواهان گسترش جنگ نیست. هدف قرار گرفتن یکی از فرماندهان عالی‌رتبه ایرانی در خاک سوریه در این مقطع زمانی با چه هدفی صورت گرفته است؟

آنچه می‌بینم و دریافت من از این ترور، راه افتادن یک کمپین انتقام‌گیری از کشورها و افراد مؤثر در حمله ۷ اکتبر است؛ هر چند تاکنون هیچ اطلاع دقیقی نداریم که ایران در پشت پرده حمله طوفان الاقصی بوده یا نه و خود اسرائیلی‌ها هم چنین اطلاعی ندارند به این معنا که وقتی از بنیامین نتانیاهو در کنفرانس خبری پرسیدند، ایران چقدر در ۷ اکتبر نقش داشت؟ دو جمله گفت که تقریباً موضوع این رژیم را مشخص می‌کند: نخست آنکه، ما نمی‌دانیم که این حمله از سوی ایران برنامه‌ریزی شده است یا خیر و از اصطلاح میکروپلینتینگ استفاده کرد که شاید ایران در جریان جزئیات این نقشه نبوده اما جمله دیگر او این است که می‌دانیم ۹۰ درصد حمایت‌های مالی از حماس از سوی ایران صورت می‌گیرد. بنابراین این‌ها به

